خبرها

شبهه‌سازی در انتخابات همزمان

ایسنا: «محمد هاشمی» عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران درباره نحوه حضور احزاب و گروه‌های سیاسی در دو انتخابات همزمان گفت: «احزاب و گروه‌های سیاسی قاعدتاً ممکن است به یک انتخابات توجه بیشتری نشان داده و در مقابل عنایت کمتر به دیگر انتخابات. از این رو این قضیه می‌تواند نوعی تناقض در آنها به وجود آورد، چرا که ممکن است یک حزب یا گروه و یا تشکل سیاسی مثلاً برای انتخابات خبرگان کاندیدایی نداشته باشد و یا اصلاً حساسیتی نداشته باشد اما همان تشکل برای انتخابات شوراهای شهر و روستا چندین نفر کاندیدا داشته و حساس باشد. حال در تبلیغات خود اگر بخواهد دو انتخابات را جدا از هم برگزار کند و تمایزی قائل شود، ممکن است شبهه‌هایی نسبت به آنها به وجود آید.»

آزادی دانشجوی کرمانشاهی

ایسنا: «پیمان مسکین‌خدا» عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه با سپردن وثیقه از زندان آزاد شد. مادر این دانشجو گفت: «بعد از ۲۱ روز بازداشت فرزندم در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه، وثیقه ۱۰۰ میلیون ریالی برای آزادی او تعیین شد و با سپردن سند منزل، از زندان آزاد شد.» این عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه رازی ۳۱ تیرماه در منزل خود در تهران بازداشت شده و به زندان دیزل‌آباد کرمانشاه منتقل شده بود. اتهام مسکین‌خدا تبلیغ علیه نظام عنوان شده است.

انتقاد مزروعی از معاون وزیر کشور

ایلنا: «علی مزروعی» رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران درباره اظهارات معاون اجتماعی وزیر کشور مبنی بر خرید و فروش تیتر رسانه‌ها گفت: من نمی‌دانم که این آقا چقدر تجربه روزنامه‌نگاری دارد اما وی باید مشخص کند که این بحث مربوط به یک سال اخیر است یا در همه ۲۷ سال گذشته همه رسانه‌ها از جمله صدا و سیما چنین کاری انجام داده‌اند. مزروعی با تاکید بر اینکه بعید است چنین اظهاراتی زمینه‌ساز برخورد با رسانه‌ها شود، گفت: «باید زمینه‌ها و شواهدی که باعث بیان چنین اظهاراتی می‌شود، مشخص شود. این آقا مشخص کند بر اساس چه شواهد و قراینی چنین اظهارنظری کرده است.»

انتقاد اصولگرایان از تشکیل ستادهای احمدی‌نژاد

آفتاب: اعلام آغاز فعالیت‌های «ستادهای انتخاباتی حامی دکتر احمدی‌نژاد» به منظور شرکت در انتخابات شوراها توسط «علی ذبیحی» مشاور رئیس‌جمهوری با واکنش تشکل‌های مختلف اصولگرا مواجه شده است. «غلامحسین امیری» مسئول کمیته سیاسی جبهه پیروان خط امام و رهبری با انتقاد از تشکیل ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد اظهار داشت: «اگر نفر اول نظام اجرایی کشور اقدام به راه‌اندازی ستادهای انتخاباتی بکند عمل اشتباهی را انجام می‌دهد.» وی افزود: «این نوع حرکات از سوی دولت جای تامل دارد، تشکیل ستادهای انتخاباتی باید از سوی احزاب و گروه‌های سیاسی صورت پذیرد نه اینکه رئیس دولت خود اقدام به تشکیل ستادهای انتخاباتی بنماید.» امیری گفت: «در این ماجرا هیچ هماهنگی با جبهه پیروان خط امام و رهبری صورت نگرفته است. اگر هم هماهنگی شده باشد بنده از آن اطلاعی ندارم.» قائم مقام جامعه اسلامی مهندسین همچنین با بیان این مطلب که «تشکیل ستادها در صورتی که مانند گذشته به شکل مردمی باشند ایرادی ندارد» اظهار داشت: «همکاری جبهه پیروان با این ستادها مشروط به استقلال این ستاد از شخص احمدی‌نژاد است.» وی افزود: «آقای ذبیحی هم باید مسئولیت خود را در این ستادها روشن کند یعنی باید مشخص شود که ایشان به عنوان مشاور رئیس‌جمهور در ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد فعالیت می‌کند یا به صورت یک فرد عادی.» «مریم بهروزی» مسئول ستاد انتخاباتی جبهه پیروان خط امام و رهبری نیز با اشاره به این موضوع که «از تشکیل ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد اطلاع داشته است» افزود: «هیچ ارتباطی بین ستادهای دولت با ستاد انتخاباتی جبهه پیروان وجود ندارد، یعنی نه آنها از ما دعوتی کرده‌اند و نه ما جلسه مشترکی با آنها داشته‌ایم.» «حسن بیادی» سخنگوی جمعیت آبادگران نیز در این باره گفت: «هیچ دعوتی از بنده و یا جمعیت آبادگران جوان جهت حضور در این ستادها به عمل نیامده است.» وی همچنین با انتقاد از این اقدام افزود: «ورود دولت به این شکل به انتخابات به غیر از ایجاد تفرقه هیچ نتیجه‌ای ندارد. این اقدام از لحاظ قانونی هم ایراد دارد و آقای ذبیحی هم نباید به عنوان مشاور رئیس‌جمهور این سخنان را بیان کند.» «محمد خوش‌چهره» عضو ائتلاف آبادگران نیز در این مورد گفت: «فکر می‌کنم این دولت آن قدر کار برای انجام دادن داشته باشد که اگر وقت و توان خود را به این مسائل اختصاص ندهد بهتر باشد. دولت باید از ظرفیت‌های خود جهت پیشبرد برنامه‌ها و وعده‌های خود استفاده کند و هر چه کمتر وارد این موضوعات شود به نفع خودش است.»

تغییرات در کابینه

ایسنا: «داود سیمانی» عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت در ارتباط با اظهارات رئیس‌جمهور مبنی بر ارزیابی عملکرد وزیران در یک سال گذشته گفت: «از دید منتقدان، دولت به وعده‌هایی که پس از شروع کار به مردم داد، عمل نکرد، از جمله کنترل گرانی و آوردن نفت به سر سفره‌های مردم.» وی افزود: «عملکردهای یک ساله دولت نهم باید در معرض داوری قرار داده شود و برخوردهای تخطئه‌آمیز از جمله برخوردی که با اقتصاددانان شد، تکرار نشود.» سلیمانی در ادامه گفت: «بعید به نظر می‌رسد کابینه تغییر کند.»

نشست اتحادیه دانشجویان اروپا

ایسنا: به مناسبت چهلمین سالگرد تاسیس اتحادیه انجمن‌های اسلامی همایش اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا ۲۹ و ۳۰ مردادماه در تهران برگزار می‌شود. «محمدباقر خرمشاد» معاون فرهنگی وزارت علوم که خود عضو سابق اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا و عضو کمیته برگزارکننده این همایش است، اعلام کرد که این همایش با شعار «چهل منزل با امام مردم و مردم امام» برگزار می‌شود. جلسات سخنرانی، ملاقات با شخصیت‌های کشور و مروری بر تاریخ درخشان و عملکرد ۴۰ ساله اتحادیه از جمله برنامه‌ها است.

ما و سختی‌های روزنامه‌نگاری سیاسی

لویاتان‌های دموکراتیک

رضا خجسته‌رحیمی

توماس جفرسون می‌گفت که اگر مخیر شود میان دولتی بدون مطبوعات و مطبوعاتی بدون دولت، یکی را انتخاب کند، لحظه‌ای در گزینش دومی شک نخواهد کرد. طایفه روزنامه‌نگاران سیاسی، بی‌شک که در سخن، هم‌رای و هم‌نظر با جفرسون هستند و بنابراین پرسش از چنین انتخابی – میان دولت بدون مطبوعات و مطبوعات بدون دولت – را نه در مقابل روزنامه‌نگاران سیاسی که رویاروی سیاستمداران قرار باید داد. پاسخ آنها به این پرسش نیز البته مقدمه‌ای خواهد بود بر نگاه‌شان به مطبوعات آزاد و محکی می‌تواند باشد بر اثبات اندیشه اصلاح‌طلبانه نزد آنان. اما این تمام ماجرا نیست که ضرب‌المثلی بریتانیایی می‌گوید: «برای فهم سیاستمداران به فعل‌شان توجه باید کرد و نه به قول‌شان.» چه بسا سیاستمدارانی نیز به تاسی از جفرسون، در مدح مطبوعات آزاد سخن بگویند و در عمل اما راهی دیگر را بیازمایند. بدین‌ترتیب آن کدام رفتار اصلاح‌طلبانه‌ای است که در مواجهه با مطبوعات می‌تواند نشان از اندیشه اصلاح‌طلبانه داشته باشد؟ و از دیگر سوی آن کدامین نوع از مواجهه با روزنامه‌نگار و روزنامه‌نگاری است که در تباین با اعتقاد به مطبوعات آزاد و اصلاح‌طلبی سیاسی قرار می‌گیرد؟ پاسخی به این پرسش باید داد اما پیش از آن تصویری باید ساخت از جغرافیایی که ایستاده برآنیم.

آنچنان که می‌دانیم، سیاستمداران اصلاح‌طلب، اکنون صندلی‌ای در قدرت ندارند و این در حالی است که سال‌هایی پیشتر، این سیاستمداران نه تنها دولت و قوه اجرا که پارلمان و شوراهای شهری و روستایی را نیز در قباله خود داشتند. آن قباله، به هر تقدیر باطل شد که سیاستمداران اصلاح‌طلب، امروزه روز، هیچ یک از آن نهادهای قدرت را در تسخیر خود ندارند و دست‌ها از آسمان قدرت کوتاه است. در این فضای تعلیق، چه بسیارند تحلیلگرانی که از ضرورت نقد سخن می‌گویند و اعتقاد بر آن دارند که گذر از اصلاحات ۸ساله و بازگشت به قدرت جز از مسیر نقد و واکاوی اصلاح‌طلبی هشت‌ساله اصلاح‌طلبان، ممکن نخواهد شد. این سخن اما در این سالیان اخیر – و خصوصاً در یک‌ساله پس از انتخابات – تبدیل به یک سمفونی مکرر شده است که اینک سیاستمداران اصلاح‌طلب نیز در هر سخنرانی و گفت‌وگویی، از ضرورت نقد خود سخن می‌گویند.

> **نکته**
>
> **سالیانی پیشتر، سعید حجاریان گفته بود که ما بیش از آنکه محتاج دموکراسی باشیم، نیازمند «انسان‌های دموکرات» هستیم. واقعیت اما همچنان چندپاره و متعارض است؛ که ما هنوز مواجهیم با «لویاتان‌های دموکراتیک»، چهره‌ها و افرادی که اگرچه از دموکراسی سخن می‌گویند اما در عمل به نسخه‌های «لویاتان» جامه عمل می‌پوشانند و مطلق‌انگارند. اینچنین است که ما اکنون در انتظاریم: در انتظار نشستن «انسان‌های دموکرات» بر صندلی «لویاتان‌های دموکرات».**

سخن گفتن از ضرورت نقد، اما آیا کافی و وافی به مقصود است و اعتراف به آن، پایان داستان است؟ بی‌شک چنین نیست؛ که البته اعتقاد به نقد و ضرورت آن، خود ابتدای فصلی جدید خواهد بود. بنابراین دفاع از «روزنامه‌نگاری سیاسی و منتقدانه» نه تنها جزیی از آن ساختمانی است که سیاستمداران اصلاح‌طلب در اندیشه برساختن آنند و بخشی از مدینه فاضله مدنظر آنها می‌تواند باشد، که اکنون در مقام یک ضرورت نیز قرار گرفته است. سیاستمداران اصلاح‌طلب، بی‌شک مخالف «روزنامه‌نگار سیاسی و منتقد» نمی‌توانند باشند، از آن روی که از اعتقاد به مطبوعات آزاد سخن می‌گویند و به استقبال «روزنامه‌نگار منتقد» نیز باید بروند، از آن روی که خود از ضرورت نقد سخن گفته‌اند و همگان نیز بر اهمیت این نقد واقفند. اما علاوه بر اینها، روزنامه‌نگار منتقد، به دلیلی دیگر نیز حضورش مایه برکت است و ضروری. چه آنکه جان استوارت میل، دو قرن پیشتر نیز می‌گفت: «حتی اگر عقیده‌ای، حقیقت تام هم باشد، در صورتی که به چالش طلبیده نشود، به سرعت رنگ و بوی تعصب می‌گیرد و به جزمیتی مرده و نه حقیقتی زنده، بدل می‌شود.» اندیشه اصلاح‌طلبی نیز در این میان بی‌شک یک استثنا و بی‌نیاز از کشیده شدن به چالش نیست. حال آیا یک سیاستمدار اصلاح‌طلب، بر مبنای چنین جغرافیا و ضرورت‌هایی می‌تواند روزنامه‌نگار منتقد را به گذر از انتقاد و عدم نقد اصلاحات فرابخواند و در این صورت آیا همچنان نیز می‌تواند رفتار خود را در امتداد اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه تعریف کند؟ این پرسشی است که تامل در آن باید کرد تا در پس آن تامل، فاصله میان گفتار و رفتار را کاهش داد و چرخ اصلاح‌طلبی را برمداری موزون‌تر چرخانید. روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب، اصلاح‌طلب نخواهد بود مگر آنکه پلی باشد میان اندیشه اصلاح‌طلبانه و سیاستمداران اصلاح‌طلب. او بی‌شک نه مصلحت اصلاح‌طلبان که مصلحت اصلاحات را در اولویت می‌داند و از همین روی است که نقدها نیز گفته می‌شود تا عیاری حاصل آید و ما اکنون چشم در چشم آن سیاستمدارانی داریم که از اصلاحات سخن می‌گویند تا ببینیم که چگونه به استقبال روزنامه‌نگاری آزاد و انتقادی می‌آیند و تصویر این مواجهه نیز بی‌تردید، ملاک آزمونی خواهد بود در بررسی حدت و غلظت اعتقاد به اندیشه‌ای که سمت و سوی اصلاح دارد و مدعی تحول‌خواهی است. آیا می‌توان از ضرورت مجوز برای نقد حکومت سخن گفت و مجوزها برای نقد اصلاحات را باطل کرد؟ تساهل آنچنان که «ادموند برک» به طعنه می‌گفت: «یا برای همه خوب است و یا برای هیچ کس خوب نیست.» اگر ما مخالف محدودیت «آزادی مطبوعات» به بهانه‌هایی همچون منافع ملی یا تشویش اذهان عموم هستیم، پیش از آن باید مخالف محدود ساختن آزادی مطبوعات، به بهانه‌هایی از جنس «منافع اصلاحات» باشیم و خود، تحدیدی بر آزادی مطبوعات نباشیم. چه بسیار شنیده‌ایم این ترجیع‌بند را که اکنون زمان نقد اصلاحات نیست که گویی چون دموکراسی در خطر است، «آزادی در نقد» نیز کالای لوکس بی‌مصرفی است. اما آیا اندیشیدن به دموکراسی با توسل به محدود کردن «آزادی در نقد» نقض غرض نخواهد بود و راه ما را بیراهه نخواهد ساخت؟

روزنامه‌نگاری سیاسی – انتقادی در جامعه ما، به واسطه چنین چالش‌هایی، رونق ندارد و چرخ آن نمی‌چرخد. که یک روزنامه‌نگار منتقد و سیاسی در گذر از موانع بر سر راه اطلاع‌رسانی آزاد و پس از مواجهه با محدودیت‌های از بالا، از پایین و از سوی نهادهای جامعه مدنی و فعالان حوزه اصلاح‌طلبی نیز با محدودیت‌ها و موانعی دیگر روبه‌رو است. سخنانی از این دست که «نقد اصلاحات، آبی است به آسیاب مخالفان اصلاحات» یا این استدلال که «منتقدان اصلاحات و اقتدارگرایان، دو لبه یک چاقو هستند» به واقع موانعی هستند بر سر روزنامه‌نگاری آزاد و انتقادی. گفته‌اند که «خبر، آن چیزی است که کسی، در جایی مخالف چاپ آن باشد» و چه باید گفت آنگاهی که این تعریف چنین نمودار شود: «خبر، آن چیزی است که کسی، در جایی مخالف چاپ آن نباشد.» روزنامه‌نگاری در ایران نه فقط در حصار محدودیت‌های قانونی و غیرقانونی گرفتار است که در کنار آن محدودیت‌ها، جمع‌های سیاسی و فرهنگی که از اصلاح‌طلبی سخن می‌گویند نیز در عمل چندان روی خوشی به نقد و انتقاد ندارند. سالیانی پیشتر، سعید حجاریان گفته بود که ما بیش از آنکه محتاج دموکراسی باشیم، نیازمند «انسان‌های دموکرات» هستیم. واقعیت اما همچنان چندپاره و متناقض‌نماست؛ که ما هنوز مواجهیم با «لویاتان‌های دموکراتیک»، چهره‌ها و افرادی که اگرچه از دموکراسی سخن می‌گویند اما در عمل به نسخه‌های «لویاتان» جامه عمل می‌پوشانند و مطلق‌انگارند. «انسان‌های دموکرات» جایگزین «لویاتان‌های دموکرات» باید شوند و تنها در این صورت است که نه تنها توقع یک اصلاح‌طلب از «روزنامه‌نگاری سیاسی» بهبود خواهد یافت که رفتار سیاسی او در دیگر سطوح منازعات سیاسی نیز مثال‌زدنی خواهد شد. اینچنین است که ما اکنون در انتظاریم: در انتظار نشستن «انسان‌های دموکرات» بر صندلی «لویاتان‌های دموکرات».

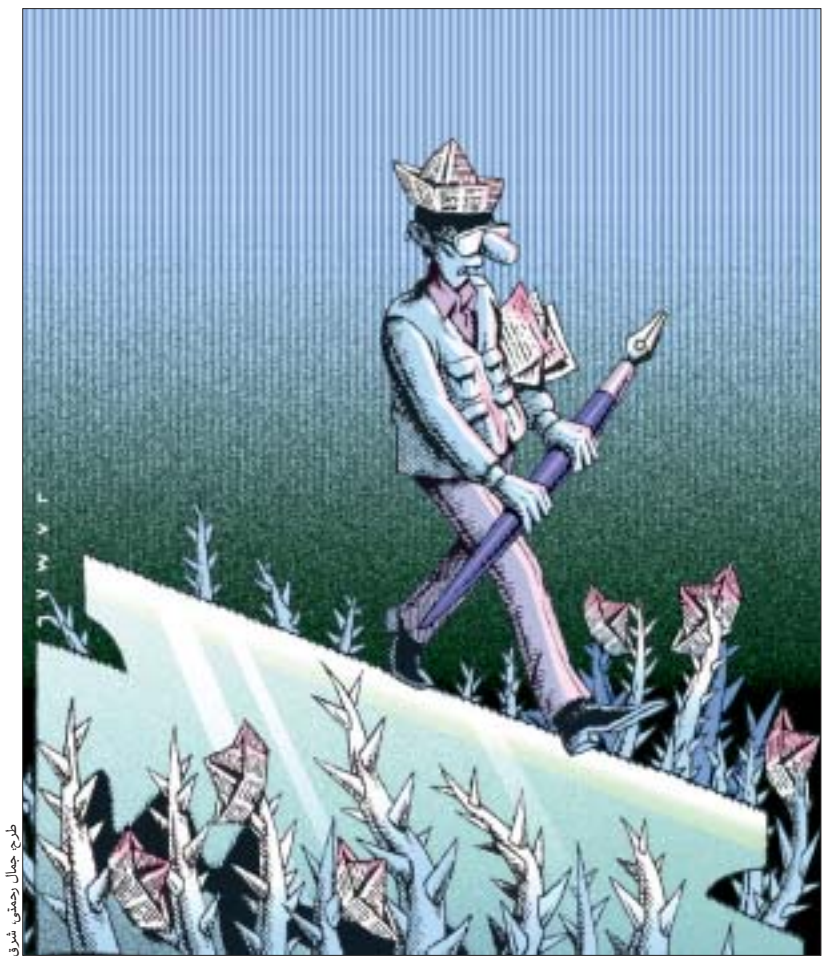

طرح جمال رحمتی شرق

در پاسخ مجدد به اسدالله بادامچیان

نهضت آزادی: همچنان در انتظار دادرسی هستیم

گروه سیاسی: نهضت آزادی ایران طی نامه‌ای به مقاله «اسدالله بادامچیان» در مورد پرونده این حزب در کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب پاسخ داد. در این نامه آمده است: نهضت آزادی ایران بلافاصله بعد از اعلام تصویب قانون احزاب در تاریخ ۶۷/۱۲/۱۴ درخواست خود را با ارسال مدارک لازم برای تطبیق با قانون و اخذ پروانه به وزارت کشور تسلیم کرد. طبق ماده ۹ قانون احزاب و با توجه به عدم مشمول مفاد ماده ۷ آن قانون بر نهضت آزادی ایران، دو نماینده برای پیگیری قضیه معرفی نمود. سپس برای تطبیق وضعیت نهضت با قانون احزاب، تغییراتی در اساسنامه داد و اصلاحات مورد نظر کمیسیون را اعمال کرد، به گونه‌ای که سرانجام به نمایندگان نهضت اعلام شد که کمبود یا اشکالی به لحاظ تطبیق با قانون وجود ندارد. این نامه می‌افزاید: کمیسیون ماده ۱۰ می‌بایست در ظرف مدت یک ماه از آن تاریخ پروانه فعالیت نهضت آزادی ایران را صادر می‌کرد و سپس اگر تخلفاتی از سوی نهضت آزادی مشاهده می‌نمود، حق می‌داشت که طبق مفاد ماده ۱۷ عمل کند. ادعای جنابعالی مبنی بر این‌که در گردش کار تنظیمی دلایل عدم صدور پروانه را اعلام کرده و آن را به مقامات کشور ارسال فرموده‌اید، مطابق هیچ یک از مواد قانون احزاب و اصول قانون اساسی نیست و اقدام جناب‌عالی یا کمیسیون ماده ۱۰ فاقد وجاهت قانونی بوده است. در ادامه نامه آمده است: کمیسیون ماده ۱۰، با توجه به سمت‌گیری سیاسی اکثریت اعضای آن، مایل به صدور پروانه فعالیت به نام نهضت آزادی ایران نبود. از سوی دیگر نمی‌خواست که آشکارا از اصول و مواد یادشده در بندهای بالا تخطی کند بنابراین به طور شفاهی توصیه‌هایی به مسئولان نهضت آزادی درباره تغییر نام حزب یا عدم پیگیری رسمی موضوع و ادامه فعالیت به طور محدود و بدون پروانه داده شد که به واسطه غیراصولی بودن آنها و مشکلات شدید ناشی از نداشتن پروانه، مورد قبول نهضت آزادی ایران قرار نگرفت. سرانجام بر اثر پافشاری نهضت برای دریافت پروانه، کمیسیون به منظور شانه خالی کردن از الزامات قانونی ذکر شده مربوط به صدور پروانه برای یک حزب با سابقه موجود، نهضت آزادی ایران را حزبی در حال تاسیس فرض کرد و در نامه‌ای خطاب به «مؤسسین نهضت آزادی ایران» و بدون ذکر دلیل اعلام نمود که درخواست آنان مورد موافقت کمیسیون قرار نگرفته است و لذا فعالیت نهضت غیرقانونی خواهد بود. در ادامه با اشاره به اینکه ماده ۱۷ قانون احزاب کمیسیون ماده ۱۰ را موظف کرده است که در صورت مشاهده هر یک از تخلف‌های مندرج در ماده ۱۶ قانون، در ابتدا تذکر کتبی بدهد و در صورت ادامه تخلف اخطار کند و پس از آن پروانه فعالیت حزب را توقیف کند و در نهایت، با ارسال پرونده حزب به دادگاه، انحلال آن حزب را با رعایت اصل ۱۶۸ قانون اساسی درخواست نماید. حال آنکه هیچ یک از این مراحل درباره نهضت آزادی ایران پیموده نشده است. در ادامه نامه خطاب به بادامچیان آمده است: همان‌گونه که اطلاع دارید، هنوز دادگاه موضوع ماده ۱۶۸ قانون اساسی تشکیل نشده است. فرموده‌اید که به افرادی از نهضت آزادی ایران مشورتاً توصیه کرده‌اید که برای اخذ پروانه اقدام نکنند. در صورتی که چنین کاری صورت گرفته است، ممکن است جناب‌عالی که حقوقدان، سیاست‌ورز با سابقه و صاحب‌نظر هستید، بفرمایید که طبق کدام ماده قانونی به‌عنوان رئیس یا دبیر کمیسیون ماده ۱۰ حق این کار را داشته‌اید؟ در ادامه این نامه با اشاره به اینکه نهضت آزادی ایران، با وجود مشاهده فشارها و محرومیت‌ها، باز هم رفتاری مدنی و قانونی انجام داد و پس از دریافت ابلاغیه عدم صدور پروانه فعالیت رسمی، در تاریخ ۷۱/۵/۱۸، طبق ماده ۱۳ قانون احزاب از کمیسیون ماده ۱۰ به دادگستری شکایت کرد، آمده است: با آنکه به موجب ماده ۱۹ قانون احزاب، شورای عالی قضایی موظف بود که در ظرف مدت یک ماه برای تشکیل هیات منصفه محاکم دادگستری اقدام کند، تاکنون دادگاه موضوع اصل ۱۶۸ تشکیل نشده است. از این‌رو پرونده نهضت آزادی همچنان بلاتکلیف و معوق مانده است. این نامه می‌افزاید: جناب‌عالی در پایان مقاله‌تان نصایحی به ما فرموده‌اید که موجب سپاسگزاری است. ما، جناب‌عالی و همفکرانتان در حزب مؤتلفه اسلامی را برادران مسلمان خودمان می‌دانیم، اگرچه دیدگاه‌های دینی، سیاسی و اقتصادی کاملاً متفاوتی داریم. از خداوند متعال بخشش خطاها و لغزش‌ها، توفیق ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و شناخت و عمل کردن به اوامر و نواهی الهی را برای همگان درخواست می‌کنیم.

> **نکته**
>
> **نهضت آزادی خطاب به بادامچیان: ما، جناب‌عالی و همفکرانتان در حزب مؤتلفه اسلامی را برادران مسلمان خودمان می‌دانیم، اگرچه دیدگاه‌های دینی، سیاسی و اقتصادی کاملاً متفاوتی داریم.**

عکس: رضا معطرپان، شرق

■ حاج سیدجوادی: وضعیت پرونده بازداشت ملی- مذهبی‌ها در سال ۸۰ را مشخص کنید

از سوی دیگر، احمد صدرحاج سیدجوادی وزیر دادگستری دولت موقت و از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در نامه‌ای به هاشمی شاهرودی ریاست قوه قضائیه خواستار پیگیری وضعیت نامشخص پرونده بازداشت‌شدگان سال ۸۰ نهضت آزادی ایران و نیروهای ملی- مذهبی به اتهام براندازی شد. احمد صدرحاج سیدجوادی در این نامه خطاب به شاهرودی بیان کرده است: خانواده‌های ملی- مذهبی از سال ۱۳۸۱ تاکنون یعنی در مدتی بیش از چهار سال به خاطر آزاد کردن وثیقه‌هایی که برای آزاد کردن عزیزانشان گرو گذاشته و اینک احتیاج به فروش یا تغییر آنها دارند و تبدیل قرار وثیقه به قرار کفالت، تلاش و کوشش کرده ولی تاکنون توفیق نیافته‌اند و به هر مقامی که مراجعه می‌کنند و اجرای این کار را که خلاف قانون نبوده و انجام آن عین عدالت است، خواستار شده‌اند، به مرجع دیگری حواله می‌شوند و بدین‌ترتیب همچنان بلاتکلیف و مستأصل مانده‌اند.

توضیح درباره یک خبر

گروه سیاسی: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی درباره یکی از اخبار درج شده در شماره دیروز توضیحی بدین شرح داد: نظر به اینکه در صفحه ۴ روزنامه شرق مورخ دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۸۵ خبری تحت عنوان «انجمن فارغ‌التحصیلان پژوهشکده امام خمینی(ره) با صدور بیانیه‌ای از تهاجم به آیت‌الله مصباح‌یزدی خبر داد» به چاپ رسیده است. به اطلاع عموم می‌رساند که انجمن فارغ‌التحصیلان این پژوهشکده هیچ‌گونه بیانیه‌ای در این باره صادر نکرده است و انتساب مفاد خبر به این مجموعه کذب محض است. لازم به ذکر است پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۷۵ با درایت و ابتکار یادگار گرانقدر حضرت امام(ره) مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج احمدآقا خمینی تاسیس شده، مرکزی پژوهشی- آموزشی وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی(ره) می‌باشد که علاوه بر پژوهش در زمینه‌های مرتبط به اندیشه‌های والای حضرت امام خمینی(ره) و اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی مردم ایران به پذیرش و آموزش دانشجویان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا نیز می‌پردازد.

انتقاد کروبی از منتقدان اعتماد ملی

ایسنا: «مهدی کروبی» دبیرکل حزب اعتماد ملی در جلسه یکشنبه شب شورای مرکزی این تشکل نسبت به «جوسازی‌هایی مبنی بر وجود اختلاف میان حزب اعتماد ملی» انتقاد کرد و این جوسازی‌ها را «دور از اخلاق سیاسی» دانست. کروبی در این جلسه گفت که اخیراً جوسازی‌هایی در خصوص اختلاف میان حزب اعتماد ملی مطرح می‌شود که بیشتر از سوی محافظه‌کاران دامن زده شده است. این در حالی است که تمام بحث‌های جلسات اعتماد ملی بر اساس سخنان موافق و مخالف رای‌گیری می‌شود و این تصمیم‌گیری‌ها از سوی سخنگو به رسانه‌ها اعلام می‌شود. همچنین تقوی‌نژاد معاون اقتصادی حزب اعتماد ملی که اخیراً از هیات مدیره بانک سپه برکنار شده در این جلسه دلیل برکناری خود را سخنرانی در همایش دفاتر استانی در رابطه با مسائل اقتصادی دولت عنوان کرد و گفت: «پس از آن سخنرانی از دفتر وزیر و هیات مدیره بانک سپه با من تماس گرفته و نسبت به سخنانم اعتراض داشتند و گفتند اگر کسی در خصوص مسائل اقتصادی نقد دارد حق حضور در دولت و هیچ جایگاه و پست سازمانی ندارد.»

یادداشت

سکوت موتلفه؟!

فرید مدرسی

آن زمان که حزب موتلفه تصمیم گرفت به استانداردهای تشکل‌های حزبی نزدیک شود، سعی کرد از سوی دیگر نزدیکی خود را به رسانه‌ها به اثبات برساند. این تصمیم با توجه به «رسوبات» فرهنگ غیرحزبی عملی مشکل به نظر می‌رسید. ولی با فعالیت برخی نیروهای جوان در ساختار روابط عمومی این حزب و استفاده از برخی شگردهای مدیریتی در یک سال اخیر اخبار و مواضع موتلفه بیش از سال‌های گذشته بر روی تلکس‌های خبری قرار گرفت و صفحات روزنامه‌های پرتیراژ را در اشغال خود درآورد. این رفتار دو سویه – از یک سو موتلفه و از سوی دیگر خبرنگاران رسانه‌های جمعی – منجر به خلق «آشتی موتلفه‌ای‌ها با رسانه‌ها» شد. اعضای ارشد موتلفه که نگاه ایدئولوژیک خود را در تعامل با رسانه‌ها نمی‌توانستند فراموش کنند، با روی کار آمدن دبیرکلی که شاید در ارتباط با خبرنگاران کمتر از دیگر اعضای ارشد موتلفه نگاه ایدئولوژیک و اعتقادی و مرزبندی سیاسی خود را در رویارویی و گفت‌وگوهای تلفنی دخیل می‌کرد، این فضا را شکست و دیگر اعضای ارشد هم همنوا با این فضا شدند و اگر خبرنگاران را نیروهای خودی به حساب نمی‌آوردند، لااقل انگ غیرخودی را بر پیشانی آنان نمی‌زدند. آقای حمیدرضا ترقی رئیس وقت مرکز سیاسی موتلفه نیز که خود در مواضع صریح سیاسی و مرزبندی با فعالان اصلاح‌طلب ید طولایی داشت، اما با تاکید بر این مواضع از رویارویی با خبرنگاران هراسی نداشت. این رفتارها و تعاملات موتلفه با خبرنگاران به آن حد رسید که آقای محمدنبی حبیبی دبیرکل این حزب به نحوه اطلاع‌رسانی و پوشش خبری حزب متبوع خود در سال گذشته افتخار کرد و همچنین تعداد خبرنگاران مدعو برای بزرگداشت روز خبرنگار، امسال ۲۵۰ درصد افزایش یافت. البته این امر یک روی سکه بود و روی دیگر سکه نحوه برگزاری مراسم روز خبرنگار توسط حزب موتلفه و نوع واکنش برخی از خبرنگاران به این رفتار بود. در حالی که در این مراسم از خبرنگاران خواسته شد نقطه نظرات خود را مطرح کنند و خبرنگاران نیز با توجه به پیشینه حزب موتلفه و اعضای ارشد شروع به پرسیدن سئوالات خود از تنها عضو موتلفه کردند که به تازگی مسئول مرکز سیاسی موتلفه شده است، با «سکوت و فقط سکوت» همراه با اعلام عدم پاسخگویی توسط آقای «محمدکاظم انبارلویی» مواجه شدند. این رفتار در نهایت منجر به ترک مراسم از سوی یکی از خبرنگاران و اعتراض چند تن از خبرنگاران به رفتار «مسئول مرکز سیاسی موتلفه» شد. تحلیل رفتار این کنشگر سیاسی، به راحتی قابل اغماض نیست و نگاه به موتلفه را دچار تردید می‌کند. از این‌رو کافی است این اتفاق مورد ارزیابی قرار گرفته و تحلیل‌هایی مطرح شود. تحلیل اول این است که «جناب انبارلویی» با توجه به آغاز فعالیت‌های مدیریتی خود در سمت جدید، در حال رصد کردن فضا و آشنایی با حوزه تحت مسئولیت خویش است تا بتواند در آینده بهتر از مسئولین سابق این مرکز عمل کند و نمی‌خواهد با اعلام موضعی ضعیف و خلاف چارچوب‌های حزبی تجربه‌ای تلخ را در انبان فعالیت‌های حزبی خود قرار دهد. البته اگر بر این تحلیل صحه بگذاریم، باید قبل از برگزاری این مراسم، اعضای ارشد از تنها گذاشتن او پرهیز می‌کردند و چند عضو باسابقه در مواجهه با خبرنگاران را در کنار او قرار می‌دادند. تحلیل دوم اینکه اصلاً رویکرد رئیس جدید مرکز سیاسی موتلفه بر این شیوه تعامل با خبرنگاران استوار است و او خواهان عدم رویارویی با خبرنگاران و یا پاسخ به سئوالات و انتقادات آنان در آینده است و همان‌طور که خود مدعی است «نمی‌خواهد شکار خبرنگاران شود» با این حال این تحلیل نیز نمی‌تواند رفتار او را توجیه کند، زیرا که موتلفه با حرکت به سوی رفتارهای حزبی و تصمیم بر تعامل با رسانه‌ها که دبیرکل این حزب نیز از این امر نه‌تنها استنکاف نکرده، بلکه آن را جزء افتخارات خود و حزب متبوعش به حساب می‌آورد، یک برنامه تشکیلاتی را به نمایش می‌گذارد و اگر این تحلیل درست باشد، ضعف تشکیلاتی و تناقض رفتاری اعضا را نشان می‌دهد زیرا که رفتار مسئول مرکز سیاسی حرکت خلاف جهت موتلفه استنباط می‌شود که برنامه‌های آتی موتلفه را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد. تحلیل سوم آن است که موتلفه اصلاً تصمیم دارد رفتار گذشته خود را اصلاح کند و از اعلام موضع شفاف در برابر رویدادها و اتفاقات روز پرهیز کند و فقط خبرنگاران را جهت اطلاع‌رسانی «نمابرهای» ارسالی به یاری طلبد. این تحلیل هم با اعلام موضع و رفتارهای دبیرکل و اعضای ارشد موتلفه در تضاد است و از لحاظ منطقی سست و ضعیف به نظر می‌رسد. تحلیل چهارم بر آن است که موتلفه در فضای جدید سیاسی به این می‌اندیشد که در برابر خبرنگاران از یک تقسیم کار یاری بجوید و فقط دبیرکل را برای این نقش برگزیند و تغییر مسئول مرکز سیاسی سابق که در گذشته ارتباطی قوی با خبرنگاران را داشت، در این راستا توجیه می‌شود و رفتار «آقای انبارلویی» یک تصمیم تشکیلاتی است. البته اگر این تحلیل درست باشد، این پرسش مطرح می‌شود که چرا از آغاز مراسم روز خبرنگار موتلفه دبیرکل حاضر نبود تا پاسخگوی سئوالات خبرنگاران باشد؟ تحلیل پنجم براساس یک تحلیل روانشناختی مطرح می‌شود که آقای انبارلویی به دلیل حضور در کسوت یک روزنامه‌نگار ویژگی فعالان این حرفه را به یدک می‌کشد:

۱- خبرنگاران معمولاً عادت به مطرح کردن پرسش دارند، نه پاسخ به سئوالات. ایشان هم هنوز نتوانسته است این عادت را ترک کند.

۲- اغلب خبرنگاران سعی می‌کنند با پرسش‌های خود سیاستمداران را غافلگیر یا به قول جناب انبارلویی «پاتک بزنند» که او حاضر نیست در این میدان وارد شود. که البته هر سیاستمداری مجبور به این امر است.

۳- به دلیل اینکه آقای انبارلویی سال‌ها در روزنامه رسالت مقالاتی را در نقد سیاستمداران نوشته است و اکثر آنان پاسخی به آن انتقادات ندادند، او نیز این شیوه سیاستمداران را برگزیده است که شاهد این ادعا کتاب «براندازی خاموش» ایشان با عنوان «نقدهای بی‌پاسخ محمدکاظم انبارلویی» است.

۴- به این دلیل که خبرنگاران در میان خود جبهه‌گیری خاص دارند و برخی رسانه‌ها را خودی و برخی رسانه‌های دیگر را غیرخودی می‌دانند و رقیب سیاسی به حساب می‌آورند شاید آقای انبارلویی نیز در دامان این گرداب افتاده است که نفعی برای فعالیت‌های حزبی‌اش ندارد. به گونه‌ای که ایشان در گذشته حتی حاضر شده است با «نشریه یالثارات» ارگان انصار حزب‌الله مصاحبه کند و تیتر یک این ارگان شود. اما در مراسم روز خبرنگار موتلفه این لطف را در حق برخی خبرنگاران انجام نداد. به هر حال با بروز این اتفاق، یک خبرنگار درصدد این است که حوزه مرتبط خود را واکاوی و از چون و چرای آن آگاه شود تا رفتار خود را براساس رفتار حوزه فعالیت خویش تنظیم کند. از این رو حزب موتلفه با توجه به حضور برخی مسئولان جدید در سمت‌های تشکیلاتی لازم است نوع تعامل خود را با خبرنگاران مشخص کند و تاکتیک مورد استفاده را بروز دهد و آن را نه تنها به خبرنگاران، بلکه به مسئولان جدید ابلاغ و آنان را اقناع کند تا خبر